

سبک شناسی خوشنویسی

گرد آورنده مطالب: موزه میرعماد آذر سال ۱۴۰۰ ه.ش

خلاصه ای از طرح نهایی سید علیرضا مطلبی، کارشناس کتابت و نگارگری دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران

سبک شناسی در هنر معنا و مفهوم و تعاریف خود را دارد. زیرا بگفته دهخدا سبک شامل دو موضوع است فکر یا معنا صورت یا شکل. در حالیکه سبک در زبان عربی به معنای گداختن و ریختن زر و نقره است و در اصطلاح ادبی به معنای طرز خاصی از نظم و نثر است که معادل استایل اروپاییست. استایل از زبان یونانی به حالت فلزی یا چوبی که با آن حروف و کلمات روی لوح مومی نقش میشد به کار می رفت و ایرانیان به قلم معنای شبیه به سبک می دهند. به هر شکل سبک هرکسی روش برای بیان اندیشه مشروط بر اینکه خود ابداع کرده باشد اما سبک کلاً به مفهوم کلمات طرز طریقه شیوه اسلوب به کار می رود. در بحث سبک شناسی خوشنویسی برای هرگونه مطالعه و تفهیم آن تفاوت‌هایی بین سبک شناسی که در حوزه هنر نقاشی و نگارگری است وجود دارد به همین دلیل نمی توان برای سبک شناسی در خوشنویسی به شاخصه هایی که در نگارگری به آنها اشاره میشود اتکا کرد. در هنر نگارگری مشخصه هایی برای تعیین سبک ها و مکاتب وجود دارد که به نوعی به لحاظ فنی و نوع استفاده از ابزار آلات نقاشی و شیوه های اجرای نقاشی، تفاوت هایی رو ایجاد میکند که از آن طریق میتوان سبک های نقاشی را تشخیص داد اما این موارد برای سبک شناسی خوشنویسی صدق نمیکند چون در نقاشی و نگارگری شیوه های پرداز کردن نوع رنگ های غالب همچنین نوع نقوش و طرح هایی را که در هر مکتب یا سبک نقاشی به کار میرود به راحتی قابل بررسی و تفکیک است. اما در هنر خط و خوشنویسی یافتن این نوع شاخصه ها به راحتی انجام نمی گیرد چون در خوشنویسی با حروف و کلمات رو به رو هستیم که به عینه شاکله حروف را به هم شباهت میدهد. در نتیجه برای تشخیص سبک و مکاتب خوشنویسی می بایست به موضوع مهمی توجه کرد که ما به آنها شاخصه های سبک و مکاتب خوشنویسی میگوییم. این شاخصه های سبک شناسی خوشنویسی در واقع در دو موضوع مهم قرار می گیرد: یکی زاویه قلم گذاری و دیگری قلم رانی هست که حاصل این دو حرکت، باعث عدم تشابه در کرسی بندی حروف و کلمات و همچنین عدم تشابه در نسبت ایستائی و سطح و دور نسبت به دیگران می شود.

برای خوشنویسی سبک شناسی معنای خاص خود را دارد اما منبع خاصی برای سبک شناسی خوشنویسی وجود ندارد به گفته استاد فضائلی معیارها و موازین ای وجود دارد که از طریق آنها می توان سبک خوشنویسی کاتبان و مکاتب خوشنویسی را نسبت به هم سنجید این معیارها شامل خطوط که اشکال متفاوت را می سازد همچنین سنجش حروف با یکدیگر که متکی و اصل خط هندسی ست و و برخی اصطلاحات خوشنویسی مانده دانگ پاره خط ها دهانه قلم نقطه رانش قلم و زاویه قلم است

یعنی توجه به این دو شاخه میتواند به پژوهشگر کمک کند تا با مقایسه حروف نوشتاری هر استاد خوشنویس نسبت به استادان دیگر به راحتی تفاوتها و اسلوب و الگوهای منتسب به هر سبک و هر استادی را به راحتی تشخیص دهد.

در سبک شناسی آثار خوشنویسی شاخص های سنجش و معیارهای تعریف شده و مشخص همانند آنچه در هنر نگارگری دیده می شود وجود ندارد اما مفاهیمی وجود دارد که به عنوان شاخص های خوشنویسی به کار می رود و به آن اصول چهارده گانه هنر خط می گویند. زیرا این اصول چهارده گانه است که سبک و سیاق متفاوت در قلم رانی هر استاد خوشنویسی را نشان می دهد که در نتیجه تفاوت در کرسی تناسب تعادل ایستایی و سطح و دوررا به وجود می آورد.

مثلا در ارتباط با سبک شناسی میرعلی هروی از خوشنویسان مشهور دوره تیموری **میتوان** به دو موضوع مهم شاخصه های سبک او را نشان می دهد اشاره کرد که شامل:

شیوه متفاوت رانش قلم میرعلی و همچنین تاثیر ایست که **میرعلی** بر کاتبان دوره های بعدی خود گذاشت و در آخر وجه تمایز شیوه نوشتاری میرعلی نسبت به استادان دیگر است.

خط نستعلیق از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق به دست آمد و خط نسخ خط منظم و معتدلی بود که در آن سطح و دور برابر هستند اما خط تعلیق به عنوان اولین خط کاملا ایرانی دور زیادی دارد. خط نستعلیق از ۸۰۰ سال قبل در ایران به دلیل تغییر و تحول سبک های مختلف خوشنویسی تغییر کرده است که در ابتدا با دو شیوه ی مختلف که میتوان به آن دو سبک مختلف انتساب داد اشاره کرد.

یکی شیوه شرقی در منطقه خراسان بود که به آن شیوه جعفر و اظهر تبریزی میگفتند که بعدها توسط سلطانعلی مشهدی تکامل یافت و بعدی شیوه غربی یا شیوه عبدالرحمان خوارزمی انیسی بود که در جنوب و غرب ایران منتشر شد و کلمات و حروف تند و تیز داشت اما شیوه ای شرقی اندازه کلمات و حروف معتدل بود تا اینجا مشخص است که تقسیم بندی شیوه های مختلف برای نستعلیق نویسی از گذشته سبک های مختلف هنر خوشنویسی را ایجاد کرد که تمام برای هر استاد و هر مکتبی شیوه و اسلوب خاصی را به وجود آورد در

حقیقت نوشتار حروف و کلمات و تفاوت هایی که در اجرای آنها وجود دارد باعث شد تا سبک های مختلف ساخته شود و برای هر سبک و مکتب خوشنویسی به عنوان یک معیار و میزان قلمداد شود.

آنچه مشخص است برای خوشنویسی در بررسی سبک شناسی هیچ گونه منبع خاصی وجود ندارد اما معیارها و موازین وجود دارد که بر اساس آن ها خطوط نوشته می شوند این موازین و معیارها شامل خطوط افقی عمودی مایل و شکل های متفاوت هستند که خط را می سازند. دوم سنجش حروف نسبت به یکدیگر است که بر اصل هندسی متکی است و همچنین معیارهای خوشنویسی مانند دانه قلم دهانه قلم نقطه گذاری و پاره خط هاست

هر کدام از این معیارها تعاریفی دارند مثلاً نقطه از کشیدن دم قلم بر کاغذ ساخته می شود که به شکل مربع است و تمام حروف از نقطه هستند و حروف توسط نقطه اندازه گیری می شود و یا دهانه قلم پهنای دم قلم است و در آخر پاره خط ها هستند که در موقع آموزش حرکات سیاهی خط و گردش های آن انتها و حدود کلمات را نشان می دهد

دانه قلم ریشه باستانی دارد و به عهد پهلوی و پارسی می رسد و سنجش قلم را با دانه آن اندازه می گیرند یعنی درشتی و ریزی قلم و قطعات تخت با آن سنجیده می شود

درسبک شناسی خوشنویسی هر استاد با استاد دیگر از طریق مقایسه خطوط صورت می گیرد که از طریق چند روش انجام میشود:

ابتدا شکل الفبا و تعیین مقدار الف مقدار نقطه الف در هر خط است مثلاً الف در خط محقق ۸ نقطه است یا شکل های خاص و ویژه در حالت ترکیب بندی حروف و کلمات چه حالات اتصال و انفصال را می سازد همچنین یک دستی و روانی حروف ظرافت و زیبایی را به وجود می آورد.

انبساط و انقباض و سطح و دور و درشتی و ریزی و باز و بسته بودن حلقه های حروف و داشتن یا نداشتن سرک ها و قلم و حرکات آن از تندی به کندی تماماً روش هایی هستند که می توان تفاوت سبک ها را مشاهده کرد

اما شاخص های اصلی تعیین سبک در خط نستعلیق قابل پیگیری است ابتدا تناسب بعد ایستایی یا تعادل و سپس سطح و دور و کرسی بندی ست در تناسب میبایست خط به هر اندازه که نوشته می شود ریز یا درشت با حروف و کلمات متناسب باشد و نسبت حرف ها با هم رعایت شود نسبت نوعی یکسان نویسی که اعتدال و تناسب اندام حروف مفرد و مرکب را به وجود می آورد.

در ایستایی و تعادل کلمات باید با نسبت طلایی و هندسی در کنار هم قرار گیرند و در سطح و دور حتماً باید تعادلی وجود داشته باشد در کرسی بندی کلمات و حروف به طور منظم و قرینه و برابر و معادل هم به طور مرتب روی یک خط مستقیم قرار می گیرند.

در سبک شناسی نستعلیق میرعلی باید تمام اصول چهارده گانه خوشنویسی مورد توجه قرار گیرد مثلاً در نوشتن حرف ی به صورت دایره یا به صورت کشیده معکوس در آثار او دیده می شود. نحوه نوشتن حرف ی در امضای میرعلی هروی از شاخص های سنجش نوشتن حروف اوست.

در بررسی و تحلیل شاخص های سبک میر علی باید به چند نکته اشاره کرد : ابتدا خط معیار و دوم نقطه عطف است

خط معیار برای میرعلی ابتدا خطوط سلطانعلی مشهدی بود و دوم نقطه عطف نقاطی است که نقش مفصل را در حروف و کلمات او او بازی می کرد .

همچنین کرسی بندی از قلم رانی های میرعلی متأثر است زاویه قلم گذاری او در مسیر حرکت است به همین دلیل قلم رانی سبک میر علی متفاوت می باشد.

یکی از شاخصه های سبک میر علی این است که او با زاویه قلم گذاری کمتری نسبت به سلطان علی مشق کرد که این مسئله رانش قلم او را تحت تاثیر قرار داد و در نتیجه کرسی خوابیده ای برای او رقم زد.

از دیگر شاخصه های سبک میر علی کم کردن شیب محور فرود است که میزان سقوط را در حروف و کلمات کم کرد که باعث افزایش دور و گسترش میدان گردش در حروف شد.

همچنین ایستایی حروف و کلمات در آثار میرعلی کمتر است ایستایی برای تفهیم زاویه ای که حروف با خط افق میسازد استفاده می شود که از قلم رانی و زاویه قلم گذاری او متأثر میباشد.

در آخر نتیجه میگیریم شاخص های سبک میرعلی در تفاوت او در زاویه قلم گذاری و قلم رانی اوست که حاصل آن عدم تشابه در کرسی بندی و نسبت و ایستایی و سطح و دور او با دیگران می شود.

منابع محمد تقی بهار کتاب سبک شناسی نثر چاپ امیرکبیر تهران سال ۱۳۴۹

محمد جعفر محبوب کتاب تاریخ مقدمه سبک خراسانی در شعر فارسی تهران نشر فردوسی و جامی

حسن انوشه کتاب دانشنامه ادب فارسی نشر دانشنامه تهران سال ۱۳۷۵

حبیب الله فضائی کتاب تعلیم خط چاپ سروش سال ۱۳۸۴